

نقش قورچیان در ساختار نظامی صفویه

دکتر شکوه السادات اعرابی هاشمی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)

shokouharabi@gmail.com

فهیمة عبدالی

(کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)

چکیده:

شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله‌ی صفوی برای تثبیت قدرت و بنیادگذاری دولت خود احتیاج به نیرویی داشت که این نیرو هم از لحاظ فیزیکی و جسمی برترین باشند و هم اینکه فقط به شاه وفادار باشند و از او دستور بگیرند و از طرفی وابسته به هیچ ایل یا طایفه‌ی خاصی نباشند به همین دلیل از بین قبایل مختلف قزلباش افرادی را که جنگجو، دلیر و وفادار بودند را انتخاب کرد و در یک گروه به نام قورچیان قرار داد که اینان بعدها بالاترین مقامات و مناصب لشکری و کشوری را از آن خود کردند. قورچیان در واقع از نژاد ترکمانان بودند. این واحد از قشون در دوره‌های بعدی صفویه هم از لحاظ تعداد افراد و هم از لحاظ موقعیت و اعتبار افزایش چشمگیری پیدا کردند. آنان در واقع گارد سلطنتی محسوب می‌شدند و از طرفی نیز نیروی ضربتی شاه نیز به حساب می‌آمدند. اینان تا پایان حکومت صفویه مقام و موقعیت خود را همچنان حفظ کردند. این پژوهش بر آن است که به بررسی نقش قورچیان در ساختار نظامی صفویه با روش توصیفی تحلیلی بپردازد.

واژگان کلیدی: قورچی، قورچی باشی، قزلباش، شاه اسماعیل، شاه عباس

مقدمه:

دولت صفویه نیز مانند دیگر حکومت‌های قبل و بعد از خود، دارای نیروی نظامی بود که این نیرو در واقع از قشون ثابت و نیروی کمکی تشکیل می‌شد. نیروی قورچیان در واقع جزء قشون ثابت دولت صفویه محسوب می‌شدند که این نیرو توسط شاه از بین قبایل قزلباش که از نژاد ترکمانان بودند انتخاب شد در رأس نیروی قورچیان قورچی باشی قرار داشت که این منصب فرماندهی همه‌ی قورچیان را بر عهده داشت. شاه عباس اول در آغاز حکومت خود دست به یک سری اصلاحات در قشون زد که از طرفی سعی داشت از قدرت و اهمیت نیروی قزلباشان در دولت صفوی بکاهد و از طرفی دیگر نیروی جدیدی به نام غلامان را به وجود آورد و این نیروی جدید را در مقابل نیروی قزلباشان قرار داد هر چند که این اقدام شاه عباس باعث کاهش قدرت و نفوذ قزلباشان در دولت گردید اما از اهمیت و اقتدار نیروی قورچیان در کشور کم نشد و آنان اهمیت و اقتدار خود را تا پایان حکومت صفویه حفظ کردند و همچنان مورد اعتماد شاه باقی ماندند.

سوال اصلی در این پژوهش: این است که قورچیان در ساختار نظامی دولت صفویه چه نقشی را ایفا می‌کردند؟ البته سوالات دیگری نیز مطرح است از قبیل: قورچیان چگونه انتخاب می‌شدند؟ وظایف آنها در ساختار حکومت صفویه چگونه بود؟

در جواب به این پرسش‌ها می‌توان گفت: قورچیان به عنوان یکی از واحدهای نظامی در دولت صفویه نقش موثری را ایفا کردند آنان در واقع گارد سلطنتی و نیروی ضربتی شاه به حساب می‌آمدند و پادشاه صفوی بر اساس شجاعت، دلاوری، جنگجویی و خدمات شایسته‌ای که افراد در قشون او انجام می‌دادند افرادی را برگزیده و در واحد قورچی قرار می‌دادند.

قورچیان وظایف گوناگونی را بر عهده داشتند که مهمترین آن محافظت از شاه و نگهبانی کاخ سلطنتی بود.

قورچیان

شاه اسماعیل اول با کمک و مساعدت سپاهیان خود توانست دولت خویش را بنیادگذاری و قدرت خود را تثبیت کند که این سپاه به هیچ وجه یک سپاه یکپارچه‌ی ایرانی نبود. شالوده‌ی این سپاه بیشتر مرکب بود از ترکمانان و افراد آن به قبایل بزرگ ترکمان مثل تکلو، ذوالقدر، شاملو، روملو و ... تعلق داشت. با این اوصاف می‌توان اینگونه بیان کرد که نیروی نظامی دولت صفویه متشکل بود از یک قشون ثابت و نیروهای کمکی که این نیروهای ثابت را معمولاً سپاه یا لشکر می‌نامیدند و نیروهای کمکی اغلب به حشر یا حشم موسوم بودند. (واله صفهانی، ۱۳۷۲، ۱۱۶ و ۱۱۵) و اما نیروی قورچیان جزء قشون ثابت در دولت صفوی بودند.

کلمه‌ی قورچی بنا بر گفته‌ی شاردن به معنی طردکردن و راندن است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۱) اما پیترودلواله در مورد این کلمه این گونه می‌گوید که « این کلمه مشتق از یک کلمه‌ی ترکی است و معنی نگاه کردن و مواظب بودن را می‌دهد » (دلواله، ۱۳۷۰، ۳۵۱) اغلب مورخان قورچیان را از نژاد ترکمانان می‌دانند و در این مورد همگی متفق‌القولند. برای مثال شاردن در این مورد بیان می‌کند که ... : « اینان از نژاد ترکمانان و تاتارها می‌باشند و پدرانشان در زمان‌های گذشته به سلحشوری و زورمندی و پرشکیمی و قناعت شهره بودند. اینان در دهکده‌های خودشان زندگی می‌کنند و با قبایل و طوایف دیگر آمیزش ندارند. قورچیان بازماندگان گله بانان مسلمانی هستند که بارها در ایران دولتی را ساقط کرده و دولت دیگری را روی کار آورده‌اند و می‌توان باور کرد در آغاز قرن جاری بیش از آنچه برای کشور عثمانی زیانمند بوده‌اند برای ایران خطر داشته‌اند به سخن دیگر اینان فرزندان آن پدرانند که شیخ صفی بنیانگذار سلسله‌ی صفوی را چندان یاری کردند که بر دشمنان خود پیروز شد ». (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۱)

شاه صفوی از میان طوایف قزلباش افرادی را که در شجاعت و مهارت معروف بودند و از طرفی از خانواده‌ی معتبر و مهمی بودند و با توجه به خدمات شایسته‌ای که انجام می‌دادند برای حفاظت از خود و نگهبانی کاخ شاهی انتخاب می‌کرد که « این افراد در حقیقت قراولان و سواران مخصوص شاه و مامور حفظ جان او و نگهبان کاخ‌های سلطنتی بودند ». (فلسفی، ج ۳، ۲۶۱)

بنابراین قورچیان از جمله برگزیده‌ترین و معتبرترین طبقات قزلباش بودند که علاوه بر اینکه گارد سلطنتی محسوب می‌شدند نیروی ضربت شاه نیز به حساب می‌آمدند. اولتاریوس می‌گوید که این افراد در مواقع صلح آزادند و فقط در مواقع جنگ احضار می‌شوند. (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ۷۴۷)

تمایز قورچی و قزلباش

اگر چه نیروی قورچیان از طوایف قزلباش به خدمت گرفته می‌شد اما این نیرو متمایز از نیروی قشون قزلباش بود. دلواله در مورد قورچیان می‌گوید که: «قورچیان قزلباشهایی هستند که در اختیار هیچ یک ازخان‌ها یا سلطان‌ها یا کسان دیگر نیستند.» (دلواله، ۱۳۷۰، ۳۵۱)

اما شواهدی در دست است که ثابت می‌کند قورچیان متمایز از قزلباشان بوده‌اند برای مثال در یک مراسم بازدید و سان قشون، قورچیان، گروهی ۵۰۰۰ نفره جدا از نیروی قزلباش ذکر شده‌اند. «(قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۱۹۸ و ۲۰۴) در جایی دیگر اینگونه ذکر شده که «وقتی قورچیان برای مجازات فردی یاغی، میرزاخان مازندرانی که نیروهای قزلباش پس از امان دادن به او دستگیرش کرده بودند اعزام شدند قزلباش‌ها در برابر درخواست یاغی به قورچیان گفتند که فردا او را در مجمع قزلباش به بارگاه معلی آورده به نظر پادشاه درآوردیم.» (اسکندر بیک منشی، ۱۳۵۰، ج ۱، ۲۴۲)

قورچیان با اتکاء بر خدماتی که در به قدرت رسیدن صفویه کردند و به خاطر نفوذ و قدرت پیشین خود بسیار مغرور و متکبر بودند «اسلاف این قوای قورچی به شاه اسماعیل مؤسس سلسله‌ی صفوی (۱۵۰۱-۲۴م) این امکان را دادند که بر ایران مسلط شود و مذهب شیعه را رواج دهد. بدین لحاظ این جمع دارای امتیازات خاصی شدند و توانستند با کنار زدن ایرانیان اصیل سمت های عالی دولتی و حتی مقامات فرماندهی را اشغال کنند.» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۸۷)

عده ی قورچیان

تعداد قورچیان در اوایل حکومت صفویه نسبت به اواخر این دولت متفاوت بود. به طوری که مثلا تعداد کل قورچیان در زمان شاه اسماعیل اول تقریبا از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تن بودند که این تعداد در زمان شاه اسماعیل دوم به ۶۰۰۰ تن افزایش پیدا کردند و یا «عده ی قورچیان در زمان مرگ شاه طهماسب اول چهار هزار و پانصد نفر بود و در زمان شاه عباس اول به دوازده هزار نفر می‌رسید.» (فلسفی، ج ۳، ۲۶۱)

کمپفر در مورد تعداد قورچیان می‌گوید که: «قورچی‌ها از نظر تعداد در درجه‌ی بعدی واحدهای دیگر قرار گرفتند. امروز قوای ۱۵ تا ۲۰ هزار نفری قورچی فقط جزء کوچکی از نیرویی است که در گذشته به همین نام وجود داشته است.» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۸۸) در زمان درگذشت شاه طهماسب جمع کل یوزباشی ارشد، قورچی‌ها و یساولان شش هزار تن بود. از این تعداد، چهارهزاروپانصد تن قورچیان محافظ شاه و هزار و پانصد تن مناصب دیگر همچون قورچیان

داشت، یساول، قراول و غیره بودند. جزو این گروه یساولان، قورچیان معتمد، ایشیک آغاسی‌ها، یساول باشی‌های اسلحه‌خانه و اداره‌ی مرکزی، میرشکار و توپچی باشی‌ها بودند. در هر واحد افراد زیادی شایسته‌ی مقام امیری بودند و اگر چه بدان نایل نشدند در منزلت و حرمت کم از آنان نبودند. هر افسری تعداد معینی خدمه‌ی زبده زیر فرمان داشت که تعداد آن از پنج تا پنجاه متغیر بود و بدین ترتیب حدود شش هزار از این خدمه جزو نیروهای خاندان سلطنتی بود. اما اگر از این خدمه و ملازمان سرشماری دقیقی صورت گیرد تعدادشان احتمالاً به بیست هزار نفر اگر نه بیشتر بالغ خواهد شد. (فلور، ۱۳۸۸، ۲۱۱)

استخدام قورچی

پادشاهان صفوی برای تثبیت قدرت خود و حفظ موقعیتشان نیاز به افرادی داشتند که این افراد هم جنگجو و دلیر باشند و هم اینکه به شخص شاه وفادار باشند و از طرفی برای ایجاد موازنه با نیروی سران ایل احتیاج به این افراد داشتند. بنابراین شروع به گزینش و گردآوری افراد برجسته کردند که این افراد در آغاز بیشتر از قبایل قزلباش مثل قبایل استاجلو، ذوالقدر، روملو، افشار، بیات، ترکمن، شاملو، تکلو و ... تأمین می‌شد. می‌توان گفت که تا اندازه‌ای همه قبایل در این واحد حضور داشتند و این روند تا پایان حکومت صفوی نیز باقی ماند. البته جدا از قبایل قزلباش دیده شده که قورچیانی از ایلات کرد و لر نیز وجود داشته‌اند. همچنین به صورت محدود اشخاصی جز ترکمانان قزلباش وارد صفوف قورچی شدند که غریب‌لر نامیده می‌شدند. (واله اصفهانی، ۱۳۷۲، ۳۶۴) که این افراد به شیوه‌های مختلفی استخدام می‌شدند و این شیوه‌ها به دو صورت بود:

الف: حکامی که مغضوب می‌شدند و دارای نیرو بودند از بین نیروهای آنان و یا از میان یاغیانی که امان خواسته بودند افراد شایسته انتخاب می‌شدند.

ب: افرادی که در سپاه یا قشون صفویه وارد می‌شدند و از خودشان شایستگی‌هایی را به اثبات می‌رسانند و خدمات برجسته‌ای را برای شاه انجام می‌دادند نیز از طرف شاه برای وارد شدن به این گروه (قورچی) انتخاب می‌شدند. البته بعدها در زمان شاه عباس اول دیده شده که برخی از غلامان نیز وارد این صفوف شدند. کسی که قورچی می‌شد می‌بایستی که زیردست افسری در بیاید که این افسر معروف به یوزباشی بود. (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۱) یوزباشی فرمانده صد مرد جنگی بود که البته این یوزباشی‌ها نیز به نوبه خود زیردست سلطان‌ها هستند، عنوان سلطان در ترکیه مختص افراد خاندان سلطنتی است، ولی در ایران به فرماندهان نظامی و حکام شهرها و

اراضی گفته می‌شود و تقریباً همان معنای کاپیتن را در قلمرو حکومت ناپل می‌دهد.» (دلواله، ۱۳۷۰، ۵۴)

لباس و تجهیزات قورچیان

قورچیان به دلیل خدمات ارزنده‌ای که به شاه اسماعیل اول ارائه دادند دارای امتیازات ویژه‌ای در کشور گردیدند و به مقامات عالی و نظامی و دولتی رسید. آنان تاج بر سر خود می‌گذاشتند کلاهی سرخ که شاه اسماعیل اول باب کرده بود. البته بعدها در عصر شاه عباس اول مرسوم شده بود که «قورچیان در لشکر کشی‌ها به جای تاج کلاهخود بر سر نهند و تا زیر چانه زره در بر کنند» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۲) تاج آنان ۱۲ ترک سرخ رنگ داشت که این در واقع یادآور دوازده امام مورد احترام شیعیان بود و با این تاج بود که آنان از سایر افراد قابل تشخیص بودند. کمپفر در این مورد می‌گوید «قورچیها را از کلاهشان که به تاج موسوم است می‌توان تشخیص داد و این عبارتست از عمامه‌ای که تشکیل می‌شود از پارچه‌ی سفیدی در قاعده و قسمت قرمزی روی آن بر این قسمت قرمز که به شکل مخروط ناقص است دوازده ترک دیده می‌شود که یادآور دوازده امام است. این کلاه خاص صوفیان صفوی باعث شد که آن‌ها از طرف ترکها «قزلباش» نامیده شوند. یعنی کسانی که سر سرخ دارند» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۸۷، ۸۸) قوربه معنای سلاح و ساز و برگ جنگی و قورچی کسی است که دارای آن هاست. (پارسادوست، ۱۳۸۸، ۴۵۲) قورچیان سواره نظامانی بودند که مسلح بودند و سلاح و تجهیزات کافی در اختیار داشتند، سلاح آنان عبارت بود از تیر و کمان، شمشیر، خنجر، تبرزین، سپر و ... قورچیان در جنگ‌ها همواره سواره نبرد می‌کردند و کلاه خود که دارای زنجیردار و بر گونه‌ها می‌افتاده بر سر می‌گذاشتند.» (پارسادوست، ۱۳۸۸، ۴۵۲) شاردن در مورد سلاح قورچیان می‌گوید که: «قزلباش‌ها از افراد سواره نظام بودند و سلاحشان تیر و کمان و شمشیر و خنجر و نیزه بود و نیز تبری با خود زیر را نشان می‌بردند. سلاح تدافعی آنان سپری بود که بر پشت می‌انداختند، خودی که روی سرشان می‌نهادند و زرهی که قسمتی از صورتشان را می‌پوشاند. نفرات برخی از فوجهای آنان تفنگ نیز داشتند» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۲)

البته باید گفت که قورچیان در زمان شاه عباس اول مجهز به تفنگ شدند. چرا که ایرانیان در زمان شاه اسماعیل اول هنوز استعمال تفنگ و اسلحه آتشین را خلاف جوانمردی و دلیری می‌شمردند (بیانی، ۱۳۵۳، ۵۷)

منزلت و جایگاه قورچیان در زمان شاه عباس اول

شاه عباس اول از همان آغاز حکومت خود سعی بر این داشت که از قدرت امرای قزلباش بکاهد و نقش آنان را در حکومت کاهش دهد چرا که از اعمال گذشته برخی از قزلباشان ناراضی بود و با آگاهی که از شجاعت و روحیه جنگاوری آنان داشت مصلحت را در این دید که سپاه قدرتمند قورچی را که قزلباش و تابع شخص شاه بودند را تشکیل دهد و آنان را در برابر ناراضیان قزلباش قرار دهد. (پارسادوست، ۱۳۸۸، ۴۵۴) این اقدام شاه عباس باعث شد که قدرت و نفوذ قزلباشان کاهش پیدا کند اما در مقابل قورچیان مانند سایر گروه‌ها در قشون دولت صفوی باقی بمانند. در اواخر سلطنت شاه عباس اول قزلباش دیگر نیروی جداگانه‌ای نبود و همه تحت فرمان قورچی باشی قرار داشتند «ریاست یا ریش سفیدی همه طوایف و ایلهای مختلف قزلباش با او بود...» (شوستر والسر، ۱۳۶۴، ۲۶) قزلباش یک نیروی جداگانه محسوب نمی‌شد اما قورچیان یک نیروی جداگانه به حساب می‌آمدند و در تمامی منابع مربوط به دوران شاه عباس اول به بعد از سه نیروی اصلی قورچی، غلام و تفنگچی نام می‌برند. شاه عباس اول همچنان به قورچیان خود اعتماد کافی را داشت و به آنان نیز مانند نیروی غلام هایش متکی بود. (فلور، ۱۳۸۸، ۲۱۲)

شاردن می‌گوید که در عهد شاه عباس اول، قورچی باشی در نزد شاه ارج بیشتری داشت و به سهولتی بیش از بزرگان دیگر می‌توانست به شاه نزدیک شود. (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۲). پس ایجاد نیروی غلامان در زمان شاه عباس اول نتوانست که از اهمیت و ارزش قورچیان بکاهد و این نیرو همچنان ارزش خود را حفظ کرد.

وظایف قورچیان

گفته شد که وظیفه‌ی قورچیان محافظت از شاه و کاخ سلطنتی بود، هر چند که باید گفته شود این تنها وظیفه‌ی آنان نبوده، بلکه آنان وظایف گوناگونی بر عهده داشتند که مهمترین آن محافظت از شاه و کاخ سلطنتی بود. قورچیان در سراسر کشور برای انجام فرامین و دستورات شاه و حتی نظارت بر چگونگی اجرای آنها پراکنده بودند و آنان در واقع مجریان فرامین شاه بودند تاورنیه در این مورد می‌گوید: «وقتی که شاه بخواهد یکی از بزرگان را به قتل برساند، یکی از قورچی‌ها را مأمور اجرای آن می‌کند.» (تاورنیه، ۱۳۸۳، ۵۸۲) از جمله وظایف دیگر قورچیان وظیفه‌ی نظامی آنان بود که در واقع به عنوان نیرویی از قشون ایران در جنگ‌ها شرکت کرده و وظایفی از جمله حمله به دشمن، دفاع از شهرها، گشت اکتشافی، پر کردن خندق و ... را بر عهده داشتند. در واقع قورچیان چون رزمندگان ماهر و فدایی شاه بودند در انواع عملیات‌های نظامی از آنان استفاده

می‌شد. (فلور، ۱۳۸۸، ۲۰۸) پس در کل می‌توان گفت که قورچیان در حکومت صفویه کارهایی زیاد و مهمی را انجام می‌دادند و اما در مورد وظیفه قورچی باشی باید گفته شود که وظایف قورچی باشی در اوایل دوره صفوی در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و اغلب این مقام همراه با امیر الامرا آورده می‌شود که البته این دو مقام جدای از یکدیگر بودند چنانچه مثلاً یکان بیک تکلّو در سال (۹۱۵/۱۰-۵۰۹) قورچی باشی بود و حال آنکه منصب امیرالامرای هونز در دست چایان سلطان بوده است. (بنانی، ۱۳۸۰، ۲۳۰)

مناصب امیرالامرا و قورچی باشی در زمان شاه طهماسب بیشتر از هم جدا شدند. در دوران اوج قدرت قزلباشان، فرمانده کل قشون یا امیرالامرا، در عین حال مدعی منصب قورچی باشی برای قبیله‌ی خود بود. با این اوصاف در مورد وظایف او چنین گفته شده که «شغل او ریش سفیدی کل طایفه‌ی قورچیان و ایلات و احشامات مملکت سلطانی است، خواه جماعت مزبوره امیر و صاحب منصب بوده خواه منصبی نداشته باشند که سمت تائینی به قورچی باشی دارند. ملازم شدن قورچیان و دادن تیول و موجب و همه ساله به ایشان موقوف به تجویز مشارالیه می‌باشد و تا قورچی باشی تصدیق نکند یک نفر ملازم نمیشوند و به احدی موجب داده نمی‌شود. به هر یک از جماعت مزبور که منصبی عنایت و احسانی شده باشد باید که در حین پای بوس او قورچی باشی حاضر باشد که معرفی او نماید. و در معرکه‌ی جنگ، در طرف دست راست پادشاه با تائینان می‌ایستد و علم او سبز رنگ است و اختیار او در مهمات سپاه و حشم و انتظام قشون زیاده از وزیر اعظم می‌باشد. البته باید اضافه کرد که تولیت مزار خاقان رضوان مکانی همیشه با قورچی باشیان می‌باشد.» (نصیری، ۱۳۷۲، ۱۲ - ۱۳)

جیره و موجب قورچیان:

قورچیان برخلاف سایر نیروهای دوره‌ی صفویه موجب خود را از طریق قورچی باشی از شاه دریافت می‌کردند چرا که قورچی باشی حق عزل و نصب قورچیان و همچنین تعیین جیره و موجب آنان و نحوه پرداخت آن را داشت. شاردن در مورد حقوق قورچیان اینطور می‌گوید که «حقوق چریکهای منظم و قورچیان مأمور ایلات از درآمد شاه پرداخته می‌شود.» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۹۳) و پس از مرگشان به شرط این که پسرانشان کار آنان را ادامه دهند و در جمع سپاهیان درآیند به ایشان داده می‌شود. برای قورچیان دستمزد یکسان و واحدی وجود نداشت و حقوق آنان بستگی به رتبه‌های آنان داشت. قورچی باشی که در رأس قورچیان قرار داشت و یکی از امرای بزرگ کشور به حساب می‌آمد منابع درآمد گوناگونی داشت که مهمترین این منابع تیول

بود مثلاً در اواخر قرن ۱۷ قورچی باشی تیول کازرون را بر عهده داشت (سمیعا، ۱۳۶۸، ۸۶) قورچیان بزرگ نیز مناصب دیگری هم داشتند برای مثال قورچی شمشیر معمولاً حاکم قم و قورچی تیر حاکم یزد بوده است هر چند که در کتاب یتاوه الآثار از حکومت نطنز برای قورچی شمشیر سخن گفته شده است «... و شاهوردی بیگ که اولاد خلیفه و در آن زمان قورچی شمشیر خاصه شریفه بود بنا بر آنکه در ایام سعادت فرجام شاه دین پناه، داروغگی ولایت نطنز و توابع تعلق به قورچی شمشیر میداشت، به نطنز آمد و رحل اقامت انداخت ...» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۳۳۶) و اینکه قورچی تیر و کمان سالانه ۳۰ تومان در سال ۱۶۶۰ موجب می‌گرفت. «(فلور، ۱۳۸۸، ۲۰۳) البته قورچیان عادی حقوق و مواجب نقدی دریافت می‌کردند و بعضاً به صورت پاداش مواجبی نیز دریافت می‌کردند. تاورنیه در این مورد می‌گوید «قورچی باشی صدوپنجاه تومان در سال موجب دارد، مین باشی هفتاد و یوزباشی سی و اون باشی پانزده تومان حقوق دارند. سوارهای تابین با اختلاف از نفری نه تومان الی پانزده تومان دریافت می‌کنند و به علاوه هر سه سال یک مرتبه شاه رژه عمومی از آن‌ها می‌بیند که در آن موقع به اندازه یک ثلث بیش از مواجیشان به آن‌ها انعام می‌دهد.» (تاورنیه، ۱۳۸۳، ۵۸) سانسون نیز در این مورد می‌گوید که هر فرد قورچی در سال مبلغ یکصد سکه حقوق دارد که به نام او بر املاک شاهی حواله شده است.» (سانسون، ۱۳۷۷، ۲۷) مواجب قورچیان یا نقدی بود و یا اینکه جنسی و اما در مورد حقوق فرماندهی این نیرو یعنی قورچی باشی اکثر منابع اینگونه ذکر می‌کنند که حقوق او از هزار تا هزار و پانصد تومان بوده است اما باز در مورد حقوق این مقام چنین آمده است که: «مداخل بابتی تیول که از محال کازران درباره او مقرر است تخمیناً سالی مبلغ سه هزار تومان؛ بابتی حق التّولیه‌ی نواب رضوان مکانی که از محال قم بازیافت می‌کند، یکصد تومان تبریزی، بابتی که از اصل جمع تیول و قرار و تعیین مواجب و انعام قورچیان عظام بازیافت می‌نماید از قرار تومانی پانصد دینار؛ بابتی که از همه ساله و تنخواه جمات مذکوره می‌گیرد از قرار تومانی یکصد دینار و کلّ مداخل مشارالیه هر سال تخمیناً مبلغ هفت هزار تومان می‌شود.» (نصیری، ۱۳۷۲، ۱۲ - ۱۳)

تشکیلات قورچیان

۱- قورچی باشی

رئیس قورچیان را قورچی باشی می‌نامند که این منصب یکی از مناصب بزرگ و محدود لشکری و کشوری دربار ایران در دوره صفویه به حساب می‌آمد که البته گاهی مقامات بزرگ دیگری نیز بر آن افزوده می‌شد. این مقام همیشه می‌بایستی که از بین خود قورچیان انتخاب

می‌شد و شاه نمی‌توانست که از طایفه یا قبیله دیگری کسی را به سرداری آنان انتخاب کند. ریاست قورچیان همیشه به یکی از سران نامی طوائف قزلباش که مورد اعتماد کامل شاه و در شجاعت و فداکاری و اصل و نسب معروف بود سپرده میشد. (لوئی بلان، ۱۳۷۵، ۲۶۲) البته این به این معنی نبود که قورچیان در مواقع لشکرکشی از فرماندهان غیرقورچی فرمان نمی‌راندند. چنانچه در قرن شانزدهم قورچیان در حین جنگ همواره تحت فرمان مقامات غیرقورچی از جمله غلامان شاه چون مخلص بیگ گرجی خدمت می‌کردند. «(قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۶۹۴) قورچی باشی از جمله قدیمی‌ترین منصب دولتی بود که دولت صفویه بوجود آورده بودند. این منصب بعد از اعتماد الدوله بزرگترین امرای دولت صفوی بود. (لوئی بلان، ۱۳۷۵، ۸۰۹)

با این اوصاف قورچی باشی نه وزیر جنگ بود و نه معمولاً لقب امیرالامرا داشت. (میرزا سمیع، ۱۳۶۸، ۱۱۶-۱۱۷) نخستین قورچی باشی‌ها همه به شاه اسماعیل اول نزدیک بودند و جزو حلقه‌ی اول حاکم بر کشور محسوب می‌شدند. اولین قورچی باشی از میان صوفیان لاهیجان انتخاب شد که معروف به عبدالعلی بیگ دده بود البته باید گفته شود که سومین قورچی باشی نیز از میان صوفیان لاهیجان انتخاب شد که او نیز معروف به ساروپیره استاجلو بود. در دوران ضعف پادشاهان صفوی منصب قورچی باشی را ایلات بزرگ قزلباش مثل استاجلو و یا شاملو تصاحب می‌کردند.» (فلور، ۱۳۸۸، ۱۸۶)

همانگونه که مقامات عالی رتبه‌ای مثل امیرالامرا و خلیفه الخلفا عزل و نصبشان به شیوه‌های مرسوم آن زمان ثبت نمی‌شد قورچی باشی نیز مانند آنان عزل و نصبشان در جایی ثبت نمی‌شد. قورچی باشی‌ها مانند سایر مقامات مهم در این دوره جانشین یا نایبی داشتند که در مواقع غیاب آنان به امور و وظایف مربوط به قورچی باشی رسیدگی می‌کرد.

درباره القاب قورچی باشی باید گفت که چون قورچی باشی از امرای جانقی بوده دارای القابی بود که این القاب عبارت بودند از تولیت و رفعت و اقبال پناه عزت و اجلال دستگاه عالیجاه مقرّب الخاقانی، عمده الامراالعظام، نظاماً للتولیه و الرفعه و العزّ و الاقبال فلان خان، متولی مزار کثیرالانوار خاقان رضوان مکانی، شاه صفی، حقّه الله تعالی بلطفه الوفی، هرگاه که مقام سپهسالاری و سرداری یا بیگلربیگی ایالت بر منصب او افزوده می‌شد القاب او نیز متناسب با آن مناصب تغییر می‌کرد و القابی متناسب با آن مناصب بر آن اضافه می‌شد.» (نصیری، ۱۳۷۲، ۱۱-۱۲)

در دوره‌ی صفویه به خصوص در زمان شاه اسماعیل اول قورچی باشی بعد از امیرالامرا قرار داشت و از اهمیت کمتری برخوردار بود اما در زمان شاه طهماسب که از موقعیت و اعتبار

امیرالامرا کاسته شد بر موقعیت قورچی باشی افزوده شد و بعدها در زمان سلطنت شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده به سرعت بر اقتدار آنان افزوده شد و یکی از مأموران متنفذ دولتی به حساب می آمد و حتی بعدها در زمان شاه عباس اول هم که واحدهای نظامی جدید همچون غلامان به وجود آمد و این واحدها هم تحت نظر قورچی باشی نبود اما با این همه همچنان « در امور دولتی رجلی برجسته » به حساب می آمدند. (بنانی، ۱۳۸۰، ۲۶۲) و اما در مورد مکان نشستن قورچی باشی در مجالس چنین آورده شده که « مکان نشستن مؤمی الیه در مجالس همایون در طرف دست چپ بندگان اشرف اعلی، از وزیر اعظم پایین تر است و اگر اتفاق افتد که صدر عامه یا خاصه در مجالس همایون حاضر باشند، ایشان بلافاصله بعد از وزیر اعظم نشسته، قورچی باشی از صدور پایین تر قرار می گیرد.» (نصیری، ۱۳۷۲، ۱۳)

۲- وزیر قورچیان و مستوفی قورچیان

این دو مقام مسئول دفاتر قورچیان بودند. وظیفه‌ی وزیر قورچی این بود که احکام یا دستورات مربوط به استخدام قورچیان، یوزباشی‌ها و یساولان قور را بنویسد در واقع وزیر، اسناد و سوابق استخدام و حضور و غیاب، سابقه‌ی خدمت آنان و غیره را نگهداری می کرد و اما مستوفی سوابق مربوط به پرداخت‌های واحد قورچی، حضورشان در خدمت و غیره را نگهداری می کرد که البته آمار و لیست نفرات واحد که در سان و بازدید سالانه کنترل می شد نیز در اختیار او بود. بنابراین او هر سال « می بایست که آخرین صورت وضعیت نیرو مثل مرگ آنان، عزل و نصبشان مأموریت و غیره را تهیه کند که این صورت وضعیت مبنای تعیین بودجه‌ی واحد بود.» (میرزا رفیعا، ۱۳۴۷، ۹۴-۹۵)

۳- قورچیان ملازم

در واحد قورچیان بعد از قورچی باشی باید از قورچیان ملازم نام ببریم که از مهمترین آنان قورچی رکاب بود. شغل این قورچیان از این قرار بود که روزهایی که شاه بر اسب سوار می شد و قصد سواری داشت، هنگام سوار شدن شاه بر اسب و هنگام فرود آمدن از اسب لگام اسب شاه را می گرفتند و به شاه کمک می کردند این منصب اکثر اوقات به طایفه‌ی زنگنه داده می شد (نصیری، ۱۳۷۲، ۴۱) به غیر از قورچی رکاب که در زمره قورچیان ملازم بود باید از مشاغلی مانند دوات‌دار مهر بزرگ و دوات‌دار مهر اطهر نام ببریم که به قورچیان ملازم تعلق داشتند. البته باید

اضافه کرد که قورچی مصاحب نیز احتمالاً به این گروه تعلق داشته است. (میرزارفیعاً، ۱۳۴۷، ۳-۱۰۲)

۴- قورچیان یراق

در مورد قورچیان یراق باید ذکر کنیم که این گروه از قورچیان خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: اول قورچیانی که مقرب الحضرت بودند و دوم آن‌هایی که نبودند و رتبه‌ی پایین‌تر داشتند گروه اول که مقرب الخاقان بودند مسئولیت شمشیر، تیر و کمان، گرز و خنجر، زره، سپر و تفنگ و ... شاه را بر عهده داشتند... « از آن جمله حسین بیگ که اسن و ارشد اولاد شاهوردی خلیفه بود، به حسن سعی و اهتمام عم عالی‌مقام به شرف منصب قورچیگری شمشیر خاصه سرافراز شده... » (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۱۲۵) در واقع آنان مسئولیت سلاح و ساز و برگ جنگی را بر عهده داشتند و اما گروه دوم مسئول کفش، نیزه، چتر، قلیان، صندلی چوگان و ... شاه بودند « ... و حسین بیگ ولد شاهوردی خلیفه را به پاداش آن یک جهتی و اخلاص، قورچی چپق کرده مبلغ بیست تومان مرسوم تعیین فرمود... » (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۳۳۵). از قورچیان دیگر مانند قورچیان مسئول دهنه، یراق، دستکش و دستار شاهی یا مثلاً قورچی حوض خانه و قورچی حرم نیز در بعضی منابع نام برده شده است. در کل باید گفته شود که این قورچیان یراق صرفاً نگهبان نبودند بلکه سرکرده‌ی محافظان شخص شاه و اعضای مهم دربار شاه بودند که البته بسیار مورد اعتماد هم بودند و فقط امرای بزرگ قزلباش صلاحیت و اهلیت چنین وظایفی را داشتند. منصب قورچی یراق به تدریج موروثی شد به طوری که مثلاً مسئولیت سلاح‌های شاه به صورت شغلی درآمد که از پدر به پسر به ارث می‌رسید. قورچیان یراق در عهد شاه سلیمان و حتی تا پایان سلطنت شاه سلطان حسین همچنان خدمت می‌کردند (فلور، ۱۳۸۸، ۱۹۶)

۵- قورچیان عظام

به غیر از قورچیان یراق و قورچیان ملازم، قورچیان عادی نیز بودند که غالباً معروف به قورچیان عظام بودند. گروهی از قورچیان عظام که کارشان حفاظت از شخص شاه بود دائماً در کاخ شاه مستقر بودند. علاوه بر محافظان شخص شاه که در کاخ مستقر بودند قورچیانی وجود داشتند که در ایالات ساکن بودند و این را می‌توان از نام محل خدمت که به دنبال اسم شان آورده می‌شد فهمید. این گروه از قورچیان در شهری که ساکن بودند تحت امر افسری بودند که او نیز

قورچی باشی نامیده می‌شد اما با وجود این تابع فرماندهی کل نیرو یعنی قورچی باشی بزرگ بود. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۶۵۳ و ۶۵۱)

علاوه بر قورچیانی که شغلشان محافظت از شخص شاه بود قورچیانی نیز وجود داشتند که بر شاهزادگان مختلف دربار گماشته می‌شدند و یا قورچیانی که حکام و بزرگان محلی در دربار و سرای خود داشتند هر چند که تعدادشان محدود بود.

نتیجه گیری:

سپاه در عصر صفویه در آغاز تشکیل این حکومت بیشتر متشکل بود از قورچیان که این افراد از قبایل مختلف ترکمان قزلباش انتخاب می‌شدند. قورچیان در واقع نیروهای ضربت شاه محسوب می‌شدند. قورچی باشی که فرماندهی این نیرو را بر عهده داشت یکی از مناصب عالی کشوری و لشکری محسوب می‌شدند که می‌بایست از بین خود قورچیان انتخاب می‌شد. ساختار نظامی دولت صفویه در آغاز تشکیل این دولت متکی بر قورچیان بود که از قزلباشان گرفته می‌شد اما در زمان شاه عباس اول با به وجود آمدن نیروی جدید متشکل از غلامان، تغییراتی در ساختار نظامی صفویه ایجاد شد که از قدرت و نفوذ قزلباشان کاسته شد و آنان از آن به بعد دیگر به عنوان یک نیروی مستقل و قدرتمند محسوب نمی‌شدند اما قورچیان برخلاف آنان اهمیت و موقعیت خود را تا پایان حکومت صفویه حفظ کردند.

فهرست منابع:

- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، (۱۳۷۳)، نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- اولتاریوس. آدام، (۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولتاریوس، مهندس کردبچه، ج ۲، شرکت کتاب برای همه
- الحسینی القمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین، (۱۳۶۳)، خلاصه التواریخ، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر
- بنانی، امین و ...، (۱۳۸۰)، صفویان، یعقوب آژند، انتشارات مولی
- بیانی. خانبابا، (۱۳۵۳)، تاریخ نظامی ایران دوره صفویه، انتشارات ستاد ارتش‌تاران
- پارسادوست، منوچهر، (۱۳۸۸)، شاه عباس اول، ج اول، تهران، شرکت سهامی انتشار
- تاورنیه، (۱۳۸۳)، سفرنامه تاورنیه، حمید ارباب شیرانی، تهران، انتشارات نیلوفر
- تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ابوتراب نوری، انتشارات سنایی
- ترکمان، اسکندریک، (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، ایرج افشار، ج، تهران، انتشارات امیرکبیر
- دلاواله. پیتر، (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترودلاواله، شعاع‌الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی
- رفیعا، میرزا، (۱۳۸۵)، دستورالملک، علی کردآبادی، محمد اسماعیل مارچیکوفسکی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- سانسون، (۱۳۷۷)، سفرنامه سانسون، محمد مهریار، اصفهان، انتشارات گلها
- سیوری. راجر، (۱۳۸۰)، در باب صفویان، رمضان علی روح الهی، تهران، نشر مرکز
- سیوری. راجر، (۱۳۸۷)، ایران عصر صفوی، کامبیز عزیزی، نشر مرکز
- شاردن، (۱۳۴۵)، سیاحتنامه شاردن، محمد عباسی، ج ۸، انتشارات امیرکبیر
- شاردن، (۱۳۷۴)، سفرنامه شاردن، اقبال یغمایی، ج ۳، تهران، انتشارات توس
- شوشتر والسر، سببلا، (۱۳۶۴)، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه اروپاییان، غلامرضا، تهران، انتشارات امیرکبیر
- فلسفی. نصرالله، زندگی شاه عباس اول، ج ۳، انتشارات محمدعلی علمی
- فلور. ویلم، (۱۳۸۸)، دیوان و قشون در عصر صفوی، کاظم فیروزمند، تهران، انتشارات آگاه
- کمپفر. انگلبرت، (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، کیکاووس جهان‌داری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی
- لوئی بلان. لوسین، (۱۳۷۵)، زندگی شاه عباس، دکتر ولی الله شادان، انتشارات اساطیر

- میرزاسمیعا، (۱۳۶۸)، تذکره الملوک، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر
- نصیری. میرزاعلی نقی، (۱۳۷۲)، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح: دکتر یوسف رحیم‌لو مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
- واله اصفهانی، محمد یوسف، (۱۳۷۲)، خلد برین، میر هاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر
- (۱۳۸۰)؛ کمبریج، تاریخ ایران دوره صفویان، دکتر یعقوب آژند، چاپ شفق

